



### گفتگو با یداله رویائی و اسماعیل نوری علاء

#### روزبهان :

با سلام خدمت شما آقای نوری علاء و همینطور آقای رویائی و با سلام به شنوندگان رادیو پرستو\* و با تشکر از حسن ظن مسئولین محترم رادیو پرستو نسبت به خودم که این اعتماد را به من نشان دادند که همراه دوستان هنرمندمان، مجری این برنامه باشم.....

آقای رویائی ! امروز این مسئله مطرح است در میان قشر کتابخوان ما، بویژه در میان آنهایی که در خارج از کشور بسر می‌برند که حد شعر ما براستی چیست و ما در گجای شعر جهان ایستاده‌ایم؟ آیا می‌شود شعر ما را با شعر معاصر جهان همخوان و همپایه و هم سطح، مطرح کرد و یا برتر از آن یا پائین‌تر از آن- در کجا قرار داریم؟ با توجه به شناختی که شما دارید و با توجه به احاطه شما به ادبیات غرب و همینطور ادبیات خودمان؟

\* این گفتگو بصورت مستقیم از رادیو پرستو در شهر مالمو، ۳۰ ژانویه پخش شد

\* شورش شاعران جوان در برابر مشاهیر؟! \*

\* نقدی که باعث فروش شعر می‌شود! \*

\* شاعران ایرانی را اینگونه به سوئدی معرفی می‌کنند! \*



از راست به چپ: یداله رویائی و روزبهان

## یداله رویائی :

البته در این فرصت کم و با سؤال تقریباً " کلی شما، خیلی سخت می شود ابعادش را ترسیم کرد و این را که در شعر معاصر جهان، شعر معاصر ایران چه مقامی دارد و کجا ایستاده و ما کجا ایستاده ایم \* شاید ترسیم ایمن جواب برای آقای نوری علاء که يك نظریه پرداز درخشانی هستند در شعر معاصر ما، ساده باشد، ولی برای من واقعا " مسئله‌ی مشکلی است که بگویم کجای جهان ایستاده ایم \*

ولی همینطور می دانم - اگر ایشان تایید کنند و خودتان هم آقای روزبهان که خوب، از شاعرهای آشنای خارج از کشور هستید و در داخل کشور هم سابقه‌ی طولانی دارید - که شعر معاصر ایران، لااقل در بدنه مدرنش، بدنه‌ی نو، و با چهره‌ها و سابقه‌ی که دارد، یکی از مناظر شعر معاصر دنیاست \*

من تا آنجاییکه برخورد و اطلاع دارم و می خوانم - لااقل خارج از کشور این امکان را به ما می دهد که با شعر جهان راحت تر تماس بگیریم - به این نتیجه می رسم که قابل مقایسه نیست، یعنی شعر ما از لحاظ تکنیک و ایماژ و از لحاظ تخیل و از لحاظ تغنی، چه در گذشته و چه حال - شعر قدیم ما هم . شاید پشتوانه همین غنا باشد - قابل مقایسه نیست \* شاعران - نی راکه ما بعنوان مهمترین شاعران دنیا می شناسیم ، حتی آنهایی که از کنار جایزه نوبل می گذرند اگر در کنار کارها و شعرهایی که داریم بگذاریم، شعر ما در جای برجسته‌ای می نشیند \*

## روزبهان :

با توجه به آن چیزی که مطرح کردید و با توجه به نوع رابطه‌ای که در خارج از کشور میان شاعران ما با زبان و ادبیات خارج وجود دارد و طبعاً " می تواند تأثیرات مثبت و بعضاً " شاید تأثیر منفی بگذارد، من سخنم را برمی گردانم به آقای نوری علاء که آیا به اعتقاد شما هم این نکته درست است ؟ و آیا

شاعران و بطور کلی هنرمندانی که در خارج از کشور هستند امکانات مثبت تر و سازنده تری دارند در رابطه با مسئله شعر و هنر، و یا اینکه - شاید بدلیل بعضی مسائل منجمده دوری از مخاطب های میلیونی - خارج، تأثیر منفی روی آنها گذاشته ؟ اگر مقایسه‌ای بکنید میان شعر در خارج و شعر در داخل کشور، و یا هنر بطور کلی \*

## احمد عییل نوری علاء :

من نظرم اینست که - اگر از تکیه اول صحبت های شما راجع به مقام یا جایگاه شعر معاصر ایران در جهان بگذریم - شعر بعنوان يك هنر و يك نمود فرهنگی از سایر هنرها و نموده‌های فرهنگی دیگتر جدا نیست ، و آنچه در حوزه‌ی فرهنگ می گذرد - يك سرنوشت عمومی است که بر اجزاء تأثیر میگذارد \*

ما از آغاز دهی پنجاه یعنی دوره هشت ساله‌ی آخر حکومت شاه دچار يك توقف در زمینه فرهنگ و هنر خودمان شدیم ، و به لحاظ سرکوبی که از جانب حکومت انجام می شد و بعد با حدوث انقلاب و بعد هم جنگ ، این توقف استمرار پیدا کرد و بصورت يك جریان ارتجاعی درآمد \* یعنی من آنچه را که در داخل ایران در حوزه‌ی فرهنگ و هنر می گذرد چه در زمینه شعر ، چه نقاشی یا قصه نویسی - صرف نظر از کمیت آن که خیلی بیشتر شده - نه تنها پیشرفت نمی بینم بلکه فکر می کنم يك جریان بازگشت و ارتجاع مسلط شده ، و این نه تنها بصورت بازگشت به قوالب کلاسیک هنری، که از لحاظ ذهنی هم، جریان دارد \* مثلاً " بهترین نقاشان آبستره ما الان تبدیل شدند به کسانی که عکس انار و فرش ایرانی می کشند برای اینکه بفروشند به نوکیسه‌هایی که در جمهوری اسلامی به ثروت و قدرت رسیده - اند، یا شعرای ما که به غزل و قصیده بازگشت کرده اند \*

بازگشت روشنفکر ما بخاطر اینکه روشنفکر است و نمیتواند مستقیماً " مذهبی بشود بصورت بازگشت به خانقاه‌ها درآمده \* در نتیجه به اعتقاد

من بر سراسر مسائل هنری و فرهنگی ایران نوعی بحران و تعارض و درگیری ارتجاعی حاکم است که این، هم شامل داخل کشور می شود و هم شامل خارج، اما از آنجائیکه شما هم به امکانات اشاره کردید - امکانات حل بحران فرهنگی و مشکل فرهنگی در خارج بیشتر است - در مورد مشکل داخل کشور، دلایل متعددی هست، مثلاً "مشکل اقتصادی که هنرمند باید خودش را با جریان عمومی وفق بدهد تا نانش را بخورد - ما در گذشته رمان نویسی که از قبل رمان زندگی کند نداشتیم؛ کارمند دولتی بود که عصرها رمان هم می نوشت - الان رمان نویس - ما از رمانش نان سیخورد بنابراین باید بنا به سلیقه روز و باب میل اداره سانسور جمهوری اسلامی بنویسد، سینماگر ما هم همینطور - در عین حال جو مسلط بر جامعه هم هست، یعنی بچه ای که روز اول انقلاب بدنیا آمده باشد الان شانزده ساله است، بنابراین هرم سنی جامعه ی ما خیلی در سطح پایینی است؛ بین بیست تا بیست و پنج سال - سلیقه های اینها در جمهوری اسلامی شکل می گیرد - اینها بوسیله ی جمهوری اسلامی مغز شویی می شوند - اما در خارج از کشور، ما هم آزادی داریم و هم این را که بایشرفته تر - بین پدیده های فرهنگی جهان آخر قرن بیستم در تماس هستیم، و اگر مشکلی داریم مثلاً "مشکل عرضه ی کار است، مشکل پیدا کردن مخاطب است که اینهم به نظر من مسئله عمده ای نیست - این اسطوره که در اواخر دوره شاه پیش آمده بود که شاعر هنوز شعرش خشک نشده باید می رفت آنرا سر کوچه برای یک میلیون نفر می خواند یک پدیده ی سرطانی و بعدی بود - ما نیمایوشیج را داریم که سالها در خانه اش شعر را نوی گونی می انداخت و نگران این نبود که کسی می خواند یا نه - ولی الان در کنار قرآن و حافظ یک مجموعه شعر نیما را می بینیم - بنابراین هنرمند نباید نگران این باشد که کم و گور می شود - هنرمند باید تعهد خودش را نسبت به هنرش از یکسو و نسبت به مردمش از سوی دیگر در نظر بگیرد و عمل کند -

### یداله رویائی :

خب، این علامت پیشرفت است اگر نیما هم کنار حافظ هست - یعنی شما که می گوئید ارتجاعی ...

### اسماعیل نوری علاء :

ما هفتاد سال میراث انقلاب مشروطه را داشتیم - آنچه که من عرض می کنم تسلط ارتجاعی پس از پیدایش تفکر گرایش به گذشته است که از آل احمد و علی شریعتی شروع شد و بعد در جمهوری اسلامی، متجلی و متبلور شد - من اینرا عرض می کنم و گرنه ما جریان افتخار آمیز انقلاب مشروطه و ادبیات مدرن - راسیونل امروز را داشته ایم که بر بنیاد نفی ماوراء الطبیعه و عدم باور به خرافات بود، و این خرافات، چیز بیست که الان دارد مسلط میشود بر ادبیات ما -

### روزبهان :

آقای نوری علاء ! در رابطه با مسئله مخاطب، اشاره ای به نیما داشتید که سالها در خانه ماند و کار کرد بدون اینکه با مخاطب رابطه مستقیم داشته باشد - آقای رویایی هم در مصاحبه ای که اخیراً داشتند به این مسئله اشاره کردند و گفتند که موقعیکه به خواننده فکر می کنم شعرم خراب می شود؛ پس نقش مخاطب در اینجا چیست؟ آیا مسئله به این معنا است که نیما شعر را برای بعدها می گفت یا آقای رویائی شعرشان را برای بعد باید بگویند؟ اگر اینطور است پس مسئله جامعه شعرخوان مشتاق چگونه است؟ آیا این جامعه شعرخوان که منتظر شنیدن شعر است نمی تواند روی کار شاعر و هنرمند تاثیر مثبت بگذارد؟

### یداله رویائی :

این که گفتیم به خواننده فکر نمی کنم موقع گفتن شعر، و اینک

شعرم خراب می شود البته يك پارادکس است \* نمی شود به خواننده فکر نکرد \* منظورم اینست که اگر بخواهیم توقع خواننده را ملاک قرار بدهیم، طبیعتاً " از جاه طلبی های خودمان در شعر باز می مانیم ؛ در این حسد \* وگرنه، خب، آدم به خواننده فکر می کند بهر حال ؛ خواننده است که شعر آدم را می خواند \* منتهی ملاکهای مخاطب طبعاً " ملاکهای شاعر در موقع ساختن شعر نمی شود \*

اما در مورد اینکه جنبه هایی از شعر امروز هست که جنبه، معتبر و نو و قابل اعتبار شعر را می سازد، خب هست \* من فکر می کنم اشاره های آقای نوری علاء به این جنبه ها نیست \* آن گرایش ارتجاعی از اول انقلاب شروع شد \* اصلاً " به محضی که انقلاب آمد، انجمن های ادبی و حتی مدرن - ترین شعرای ما شروع کردند به گفتن شعر کلاسیک و غزل و قصیده \* و يك زبان معرب و عربی وار که هنوز هم بنوعی حاکم است در بعضی محافل هست \*

حضور جامعه های انتلکنتوئل و روشنفکر در خارج، البته به جهت اینکه با دنیای دمکرات و آزاد برخورد دارد، آفرینش های تازه تر و معتبر - تری با خود دارد، و به همین جهت، آفرینش های هنری و شعری خارج از کشور، معتبرتر از آن چیز است که در حال حاضر در داخل می گذرد \* \* \* \* \* در همین مالمو، در جنوب سوئد، شما می بینید چه حساسیتی وجود دارد و چه حیاتی دارد زندگی هنری و ادبی ایرانیان \* مجله هایی مثل قلمک، مثل رویا و گروه های ادبی و فرهنگی که در اینجا فعالیت دارند، در داخل کشور وجود ندارند \* مجله پویانگران در لندن که کوالیته های نو و آفرینش های نو را در عرضه می کند، ولی در ایران باید از خیلی پرده ها بگذرد و طبعاً " بریده بریده می شود \* و آن حیات و آفرینش که متوقع بودیم بعد از انقلاب بوجود بیاید کم کم \* \* \*

روزبهار :

شما بطور غیر مستقیم این مسئله را مطرح کردید، یعنی تایید کردید که شعر در خارج از کشور غنی تر و بنوعی \* \* \*

اسماعیل نوری علاء :

خلاق تر \* \* \*

یداله رویائی :

جریان خلاق \* \* \* آزادتر \* \* \*

روزبهار :

یعنی اگر ما نشریاتی را که مثال زدید و نشریات دیگری را که در خارج از کشور منتشر می شوند مقایسه کنیم با نشریات چاپ داخل - بعنوان نمود - های این حرکت -، جایگاه این نشریات را برتر می دانید یا \* \* \*

اسماعیل نوری علاء :

من، مسلم بالاتر می دانم، یعنی فکر می کنم که جریان هنر همیشه دوجنبه دارد، یکی رسمی و حرفه ای شده و یکی تجربی خلاقه، جنبه ای که پیشاهنگ است و مرزهای نوآوری را در اندیشه و خلاقیت به پیش می برد \* آنچه که در ایران وجود دارد جنبه ای جاافتادگی است، اما در خارج، جریانی که آینده شعر ایران را، یا هنر ایران را می تواند تامین کند \* ممکن است که ما خام تر از داخل کشور شعر بخوانیم، ولی این خامی را، جهش بسوی آینده جهش بسوی پیشرفت جبران می کند \*

روزبهار :

در چارچوب مسائلی که مطرح شد من باز خواستار این هستم که از چهره های مشخصی که در این دهه ی اخیر در خارج از کشور مطرح بودند یسا

مطرح شدند، یا شکل و یال گرفتند، چه کسانی مورد نظر شما هستند گسه برای آنها آینده‌ای می‌بینید یا خودشان همین امروز آینده‌ی خودشان هستند، وقتی ما مقایسه می‌کنیم... تصور من اینست که خواه ناخواه این تشخیص در وجود عده‌ی معینی هم جلوه پیدا می‌کند. می‌توانید از میان اینها چهره‌های معینی را نام ببرید؟

### یداله رؤیائی :

آقای روزبهان، خب البته خودتان که شاعر بسیار خوبی هستید، یعنی در قلمرو این زاینده‌گی که آقای نوری علاء اشاره کردند در رابطه با شعروادبیا ت ما در خارج، حضور دارید\* در همین جا که هستم در جنوب سوئد و همین ایستگاه رادیو پرستو، چهره‌هایی را می‌بینم که واقعا "حضور دارند در حیات و تپش شعر و فرهنگ ما در خارج : آقای احمد سینا که قلمک رادرمی- آورد، آقای جلال سرفراز که پشت شیشه می‌بینمش\* شاعرهای دیگری هم هستند، سهراب مازندرانی؛ در استکهلم شنیده‌ام شاعرانی هستند که بهر حال سهم دارند در این زاینده‌گی\* خیلی شاعرهای دیگری هستند\* در آن چیزی که شما اشاره کردید که جان جهان است شعرحجم، وگسترشی که پیدا کرده، و این آوازگادهای شعر فارسی چه در داخل و چه در خارج، خب تظاهرهای معتبر و راضی‌کننده‌ای دارد\* اگر به گفتن نام باشد شاید آقای نوری علاء نگاه کاونده‌تری داشته باشد در این قلمرو\* چهره‌ها زیادند و در مناظر دیگر شعر هم همینطور، و در جاهای دیگر\* منتهی سئوالتان در مورد خارج است فقط.....

### روزبهان :

بخشید... گویا تلفنی است از يك شنونده که سئوالی دارد...\*

### شنونده رادیو :

\* ما قسمت معرفی شاعران توسط روزبهان را که در آن به این مطلب هم اشاره شده بود، نیاورده‌ایم\*

من سئوالی از آقای رویائی داشتیم که البته خواهش اینست که آقای نوری علاء هم اگر فرصتی بود جواب بدهند\*

آقای رویائی ! شما يك گفت و شنودی با آقای جلال سرفراز داشتید که در مجله، تکاپو شماره ۵ چاپ شده است\* همین الان هم آقای روزبهان اشاره کردند که شما نقش الهام دارد کرده‌اید که به نظر من کار بسیار زیبایی بود شما فرمودید که شعر محصول اداره است نه مخلوق آن\* اگر امکان دارد در این مورد يك مقدار بیشتر توضیح بدهید\*

### یداله رؤیائی :

اینکه شاعر منتظر نمی‌نشیند یا لا اقل من شاعر یا شاعرهایی که بنوعی در شعر به تکنیک و ساختمان و معماری می‌پردازند امری طبیعی است\* یعنی کاری که من میکنم چرا بدهکار الهام باشد؟ — چیزی که می‌گویند از غیب می‌آید...\*

اتفاقا " لحظه‌ی پیش آقای نوری علاء در صحبتی با آقای روزبهان اشاره کردند به اینکه وقتی الهام را انکار کنیم تازه می‌فهمیم که شاعر پایش روی زمین است و روی واقعیت\* یعنی هنر کلامی به معنای هنر و معماری کردن\*

فرشته هر چه باشد، بهر حال معماری نمی‌کند شعر شما را\* تازه ما خودمان هر لحظه که بخواهیم احضارش می‌کنیم، چرا منتظر بنشینیم؟ ! ... یعنی وقتی خودمان این فرشته معصوم را رها کنیم و بعد خودمان معماری کنیم آنچه را که هنر کلامی است در مجموعه‌ی زبان... خب، این، در حقیقت اداره است\* منم در زندگی شاعری هر وقت که اراده کردم یعنی که می‌توانم پشت میز بنشینم و شعر بگویم؛ اگر نه وقتی بنشینم که الهام بیاید که یکسال و دو سال می‌گذرد...\*

### اسماعیل نوری علاء :

گیرم که فرشتدی الهام هم بود ، و گیرم که بنده توانستم به وسیله وسایل امروزی یا دیروزی با این فرشته الهام تماس بگیرم ، و بقول اخوان ثالث که می گوید شعر، دمیدن شعور نبوت است به این شعور نبوت رسیدم و با فرشته الهام تماس گرفتم . فرشته الهام نکاتی را به بنده تلقین کرد و من روی کاغذ نوشتم . در آنصورت هنر من کجاست ؟

من فکر می کنم که ما چه از طریق فرشته الهام و چه از طریق خودمان و چه از طریق پیر سش های ذهنی و تمرین های ذهنی مان ، چیزی را روی کاغذ می آوریم ، تازه آغاز مرحله سازندگی است و آنوقت بعنوان یک تکنیسین و یک معمار ، با مصالحی که از جهان ناخودآگاهی خودمان بیرون کشیدیم و روی کاغذ آوردیم ، روبرو می شویم و از آن یک کار خوش ساخت در می آوریم ، کاری که یک نقاش با بوم سفید ، رنگها و فکرها پیش می کند . مهارتهای تکنیکی اوست که تصویر روی تابلو می آورد . سهم ما را هم آنجایی می نویسند که از فرشته الهام خدا حافظی کرده ایم . . . .

در مورد چهره های خارج از کشور که اشاره فرموده بودید می خواهم بگویم که ما الان سه چهار نسل شاعر در خارج داریم که همه دوشادوش هم دارند کار می کنند ، و همه سبکهای خودشان را ارائه می دهند . در بخش انتهایی این هرم است که شاعران جوان ما دارند از راه تمرین کردن ، و بسا بزرگترها در تماس بودن ، و این انتقال سینه به سینه ، مهارتها و دستاورد ها به این کار می رسند . مثلاً ” ما اگر بخواهیم از شعرای طراز اول مان سخن بگوییم آقای رویائی را مثلاً ” در پاریس داریم یا مثلاً ” آقای نادرپور را در لس آنجلس . اینها دو تا از شاخص های مهم شعر خارج از کشور هستند . بعد از آنها ، نسل بعدی اگر بخواهیم مثال بزنیم . و اگر بخواهیم قضیه را به شعر نو محدود کنیم و به اندیشه نو هم بخواهیم بپردازیم . درلنگ مثلاً ” هادی خرسندی را داریم که مرزهای طنز را آورده در داخل جدی ترین صحنه های ادبی ، یعنی ما الان با کمال افتخار می توانیم بگوییم که بعد از



از راست به چپ: فرشید عبدالله زاده، احمد سینا، جلال سرفراز، و اسد رخساریان



از چپ به راست: اسماعیل نوری علاء، کورش دستوری و Jesika Ohlson

عبید زاکانی و ایرج میرزا، شاعری داریم که همدوش آنها می‌ایستند و در تاریخ ادبیات ما جا می‌گیرد و زیباترین طنزها را سروده است.

در صحنه نوآوری باز منوچهر یکتایی را در نیویورک داریم. آدمی که علم نوآوری را بدوش می‌کشد و هفتاد و سه سالش است. بعد نسل‌ها ی پس از خودمان را را بخواهیم بگیریم، خواهر من پرتو نوری علاء در لس- آنجلس، کارهایش نشان می‌دهد که یک مرتبه چه پوستی انداخته در خارج از کشور و چه شاعر نویی شده، یا خانم مینا اسدی را در سوئد داریم، آقای پیوند را داریم در پاریس، آقای روزبهان است در آلمان، آقای سرفراز در برلین. و می‌شود این لیست را همین‌طور ادامه داد. در کنار اینها اسمهای نوینی در خارج از کشور متولد شده‌اند مثلاً "عباس صفاری در لس آنجلس که کتابش به نظر من یکی از کتابهای خیلی خوب است، افشین بایازاده را در لندن، آقای سهراب مازندرانی و آقای احمدسینا را داریم در سوئد و حتی بالا در استکهلم یا ایسالا خانم مانا آقایی را داریم که شعرش نویسد یک شاعره‌ی خوب دیگر است.



از راست به چپ:

شکوه میرزادگی، اسماعیل نوری علاء، فاروق امیری، محمد علی آینه و جلال سرفراز